

بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و بیانیه‌های تبلیغاتی در بمب‌گذاری‌های سیستان و بلوچستان

سبحان رضایی^۱ - حسام‌الدین آشنا^۲ - محمود شهابی^۳ - ابوتراب طالبی^۴

چکیده

خشونت سیاسی، کنشی جمعی است که هدف و بهانه‌های دستاویز آن به لحاظ نمادین، اجتماعی و نه شخصی می‌باشد و در این میان، بمب‌گذاری، نمادین‌ترین گونه ممکن است. در همین راستا، این مقاله به دنبال آن است که با ارائه مدلی ارتباط‌شناختی، فرایند بمب‌گذاری را به مثابه یک واقعه رسانه‌ای مورد مطالعه قرار دهد و این نوع نگاه را در بررسی اهداف، معانی و گفتمان خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری سال‌های (۱۳۸۹-۱۳۸۷) در استان سیستان و بلوچستان ایران بسط دهد. مقاله حاضر بر اساس مدل ارتباط‌شناختی بمب به مثابه واقعه رسانه‌ای طراحی شده و به دنبال بررسی نحوه رمزگذاری گروه معارض در عملیات بمب‌گذاری می‌باشد. در این میان، به منظور استخراج معانی و مضامین مقوم گفتمان مشروعیت‌بخش این نوع خشونت، از روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی بهره‌برداری شده تا با اتکا بر آن بتوان به کدگذاری و کشف شاخص‌های معنایی اصلی در محتوای این مقوله‌های کلامی پرداخت.

واژگان کلیدی

گفتمان مشروعیت‌بخش، خشونت سیاسی، واقعه رسانه‌ای، مدل بمب به مثابه واقعه رسانه‌ای، اهل سنت

-
- تاریخ دریافت: ۹۱/۰۴/۰۵ تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۰۱
۱. کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی
sm.rezaee@yahoo.com
 ۲. دانشیار گروه معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق(ع)
hesamodin@gmail.com
 ۳. استادیار جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی
mshahabi88@gmail.com
 ۴. استادیار جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی
tatalebi@yahoo.com

مقدمه

افراط‌گرایی دینی اهل سنت خوانش گذشته‌محور سیاست و دین است که با نگاهی حسرت‌آلود به تجزیه سنت دینی و ترکیب آن با کنشگری سیاسی و فناوری‌های جدید می‌پردازد؛ این امر بر مبنای بازسازی اصل جهاد، مشروعیت‌بخشی مذهبی به سیاست‌ورزی و طرد و تقابل با «دیگران» امکان‌پذیر شده است.

از اواخر قرن نوزدهم میلادی، گروه‌های تندروی اهل سنت در جوامع خود ظهور کردند، که از جمله آنها می‌توان به محمدبن عبدالوهاب در عربستان، مکیوهان در شمال شرقی چین و شیخ محمد بن علی السنوسی در شمال آفریقا اشاره کرد که رشد خویش را در طول قرن بیستم نیز در کشورهای مختلف اسلامی تداوم بخشیدند (گل محمدی، ۱۳۸۹). در ایران اگر چه جنبش اهل سنت به صفت مذهبی خود در سال‌های پیش از انقلاب ظهور چندانی نداشت، ولی در تقابل با به قدرت رسیدن گفتمان شیعی در اواخر دهه ۷۰ میلادی تقویت شد. چرا که هم از طرفی نگاه احیاگرایانه دینی را در قالب حاکمیت دینی تأیید می‌کرد و هم از طرف دیگر - با وجود تمام مراقبت‌های رهبران حکومت در ایران - اختلاف میان تشیع و تسنن را آشکار می‌نمود. در سال‌های اخیر، این رویکرد دینی در مناطق سنی‌نشین ایران، به خصوص بلوچستان، با هویت‌های قومی تلفیق و به گفتمانی برای توجیه خشونت‌های سیاسی بدل شده است. گروه‌های تروریستی این مناطق حاشیه‌ای، همچون گروه موسوم به جندالله در بلوچستان در عین اتخاذ سنت‌های افراطی سلفی‌گری، گفتمان حاکمیت دینی در ایران را نیز به صورت معکوس تکرار می‌کنند: به بیان دیگر، آنها بر پایه اختلاف میان تشیع و تسنن، از همان گفتمان دینی و سیاسی جمهوری اسلامی بهره می‌گیرند و آن را به ابزاری تقابلی برای نیل به اهداف دینی - قومی خویش در برابر حکومت مرکزی بدل می‌کنند.

اهل سنت در ایران

تا زمان صفویه، مذهب اکثریت مردم ایران، تسنن بود و شیعیان به صورت پراکنده در نواحی و شهرهایی چون مازندران، قم، کاشان، ری و سبزوار حضور داشتند و سخت‌گیری دولتی‌هایی چون سلجوقیان موجبات عدم رشد این مذهب را در ایران فراهم آورده بود (حسینی‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۳). با قدرت گرفتن صفویان، مذهب تشیع در ۹۰۷ قمری (۱۵۰۱ م) در ایران به صورت مذهب رسمی درآمد و ایران شیعی از لحاظ حکومتی نسبت به دیگر مناطق جهان اسلام صورتی متمایز یافت (رضایی، آشنا، ۱۳۸۷: ۱۵-۸). در همین میان، تقابل سیاسی که بین دولت شیعی ایران و دولت‌های سنی‌نشین همسایه ایران، همچون امپراتوری‌های عثمانی و ازبک، در جریان بود سبب شد که آیین تشیع به امری هویتی برای ایرانیان و دولت سیاسی آنان تبدیل و در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی صفویان نمایان شود (سیوری، ۱۳۷۲: ۲۶). در این میان، اقوام مرزنشین ایرانی، همچون ترکمن‌ها در شمال ایران، بلوچ‌ها در شرق و کردها در غرب ایران، به‌خاطر تداوم قومیتی و ارتباطات میان‌فرهنگی همچنان به مذهب قوم خود پایبند ماندند، در حالی که دولت مرکزی ایران در تمامی این دوران و پس از آن با محوریت تشیع باقی ماند (صفا، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۵۶) و حفظ و گسترش این آیین را دستور کار خویش قرار داد. با این وجود، پس از تشکیل دولت پهلوی و گسترش سیاست‌های عرفی، اختلافات میان تشیع و تسنن زیر سایه حاکمیت استبدادی از اولویت خارج شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نیز با وجود آنکه آیین رسمی کشور باز هم مذهب تشیع قرار گرفت، اما مذاهب دیگر اسلامی بر اساس اصل دوازدهم قانون اساسی، دارای احترام کامل و آزاد تلقی شدند. ولی در موازنه تشیع - تسنن اسلامی، شیعه‌مداری دولت مدرن مرکزی کشور در کنار

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

تمام احتیاط‌های قانونی باز هم موجب تقویت یک‌طرف شده و برخی از رهبران اهل سنت منطقه در قبال ایدئولوژی انقلابی شیعی، به اتخاذ تاکتیک‌های مقاومتی دست زدند. به‌علاوه، این امر با رویارویی هویت قومی در مقابل هویت ملی در خصوص مرزنشینان اهل سنت بغرنج‌تر نیز شد.

جنبش مقاومت مردمی ایران (موسوم به جندالله)^۱

این گروه شبه‌نظامی در سال ۱۳۸۲ توسط عبدالمالک ریگی (۱۳۸۹ - ۱۳۵۹)، از دانش‌آموخته‌های مدارس مذهبی پاکستان (کاشانی، بی‌تا، رادیو بلوچ)، در بلوچستان ایران تأسیس شد و هدف خود را تأمین حقوق مذهبی و قومی قوم بلوچ و اهل سنت در استان سیستان و بلوچستان ایران اعلام کرد، اما همواره بر خودمختاری منطقه‌ای بلوچستان و عدم جدایی‌طلبی خویش تأکید نموده است.

بر اساس اطلاعاتی که از بیانیه‌های این گروه در وبلاگ‌های رسمی برمی‌آید، ساختار گروه از یک شورای مرکزی و چهار شاخه نظامی، فرهنگی، قضایی و امنیتی تشکیل یافته است که در آن میان، شاخه نظامی فعال‌تر به نظر می‌رسد و تاکنون حملات نظامی را در منطقه بلوچستان ایران صورت داده است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حمله به کاروان انتقال رئیس‌جمهور در مناطق کویری سیستان (۱۳۸۴/۹/۲۳).
۲. حادثه تاسوکی: قتل ۲۲ تن از مسافران عبوری از محور زابل به زاهدان؛ آتش زدن شش خودروی متعلق به مسافران؛ اسارت عده‌ای نامعلوم از مسافران عبوری؛ زخمی شدن فرماندار زاهدان (۱۳۸۴/۱۲/۲۵).

۱. در این مقاله از این به بعد به عنوان «گروه» ذکر می‌شود.

۳. حمله به اتوبوس حامل نیروهای سپاه پاسداران با خودروی حامل مواد منفجره (۱۳۸۵/۱۱/۲۵).

۴. بمب‌گذاری در مسجد علی بن ابیطالب زاهدان (۱۳۸۷/۳/۷).

۵. حمله به مسجد جامع زاهدان (۱۳۸۹/۴/۲۴).

از ابتدای تأسیس گروه تا زمان دستگیری و اعدام عبدالملک ریگی (۱۳۸۹)، وی رهبری امور گروه خود را بر عهده داشت، اما پس از آن، محمد ظاهر بلوچ به عنوان رهبر گروه انتخاب و پس از دستگیری عبدالملک مشخص شد این گروه مورد سوءاستفاده سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار گرفته است.

ادبیات نظری

خشونت سیاسی

خشونت سیاسی، کنشی جمعی است که هدف و دستاویز آن به لحاظ نمادین، اجتماعی و نه شخصی باشند. این نوع خشونت، چه در دفاع از وضع موجود و چه در جهت نقد آن با هدف کسب امتیازات اجتماعی و عایدات سیاسی صورت می‌گیرد (Bowen & Masotti, 1968: 363) و در عین حال می‌تواند، انسجام درونی گروه معارض را در قبال اهداف، روش‌ها و ارزش‌های سیاسی و اجتماعی آن تقویت و بازتولید نماید. اما این جنس از خشونت در اعمال خود، مبتنی بر گفتمانی است که بهره‌برداری از چنین کنشی را مشروعیت‌بخشی می‌کند. مبنای این مشروعیت‌بخشی این ادعا است که این نوع خشونت در شرایطی اعمال می‌شود که اشکال مسالمت‌آمیز حفظ یا اعتراض به وضع موجود از شانس مقبولیت و پاسخ‌یابی برخوردار نیست. به‌علاوه، این خشونت جمعی هم می‌تواند به‌صورت سازماندهی‌شده ارائه گردد و فرم‌هایی همچون، جنگ‌های داخلی، جنگ‌های چریکی، بمب‌گذاری‌ها و... را در پی داشته باشد

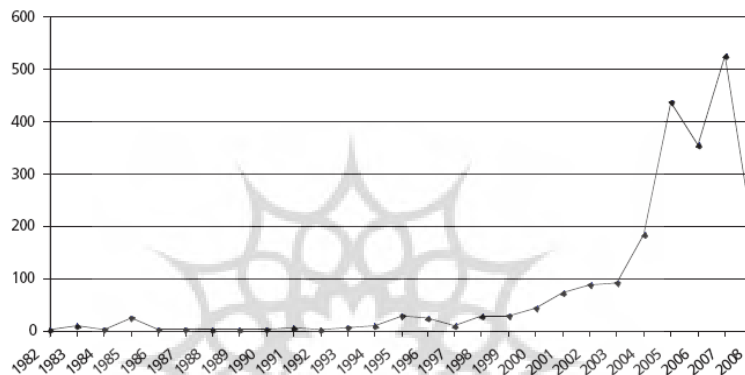
❖ و هم صورتی سیال و غیرسازماندهی شده همچون شورش، اعتراضات خشن جمعی و... را تجربه نماید، که هر کدام از آنها سطح متفاوتی از اهداف را نسبت به دولت مرکزی دنبال می‌کنند. بوون و ماسوتی (همان: ۹) سه عامل اصلی را در تعیین سطح این اهداف برمی‌شمردند: مشروعیت نظام، ظرفیت و توانایی نظام و عوامل تسهیل‌کننده که مشتمل بر تجربه‌های پیشین اعتراضات، همراهی بین‌المللی و حضور پشتیبانی رسانه‌ای می‌باشد.

بمب‌گذاری

بمب‌گذاری نوعی از خشونت سیاسی است که موجبات مرگ دیگران را به صورت گسترده فراهم می‌آورد. هدف عملیات بمب‌گذاری تنها تخریب نیست، بلکه حاوی پیامی نمادین نیز هست. به بیان دیگر، بمب‌گذاری نوعی فعالیت ارتباطی است که از یک زبان سمبولیک بهره‌برداری می‌نماید تا پیام سیاسی خود را فریاد بزند، پیامی که از یک طرف می‌تواند در درون گروه تداعی‌کننده اهمیت همبستگی، جایگاه رهبر، تقدس اهداف و راه جنبش باشد و از طرف دیگر در برون گروه می‌تواند بیان‌گر احساس تنفر، تضعیف دولت مرکزی و عدم توانایی آن در حمایت از قربانیان و حتی انتقام باشد. چنین است که قربانیان این نوع از تروریسم از طرف فرستنده بر اساس ارزش‌های بازنمایی‌شان انتخاب می‌شوند تا حامل یک مکانیسم ارتباطی باشند: گروه بمب‌گذار به مثابه فرستنده پیام، انفجار بمب در میان جمعیت به مثابه کانال ارسال پیام و اعضاء، حامیان و طرفداران گروه به مثابه مخاطبان درون گروه پیام و دولت، جمعیت مرکزی و دیگر بازیگران بین‌المللی به مثابه مخاطبان برون گروه پیام. *رتال جامع علوم انسانی*

در این میان، استفاده از تکنیک بمب‌گذاری به صورت انتحاری در ایران پس از

انقلاب اسلامی رشد یافت و به صورت عمده توسط دو گروه معارض موسوم به «سازمان مجاهدین خلق ایران» و اخیراً نیز گروه موسوم به «جندالله» مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. به علاوه، در طی ۳۰ سال گذشته، میزان بهره‌برداری از این تکنیک، به مثابه یک تاکتیک سیاسی به صورت روزافزونی در کشورها و مناطق آشوب‌زده رشد یافته است، به گونه‌ای که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۸ تعداد ۲ هزار و ۱۹۷ عدد بمب‌گذاری بدین صورت، انجام شده که از این میان، هزار و ۲۴۰ مورد آن بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و در این کشور بوده است (Tosini, 2009).



تصویر ۱. آمار تعداد بمب‌گذاری‌های انتخاباتی (Tosini, 2009: 68)

در طی سال‌های اخیر و پس از وقوع این تعداد کثیر از عملیات‌های انتحاری و خشونت‌های سیاسی، پژوهش‌ها و مقاله‌های متعددی در تبیین چرایی، تحلیل و چگونگی کنترل آنها انجام شده است. از این میان، دو پژوهش که توسط مونیک مارکس (۱۹۹۵) و گینگز و همکاران (۲۰۰۹) صورت گرفته، به موضوع و رویکرد ما در مقاله حاضر نزدیک‌ترند و اطلاعات ارزشمندی را از زمینه‌های مورد مطالعه خود در اختیار قرار می‌دهند.

هویت گروهی و همبستگی اجتماعی

جرمی گینگز، ایان هانسن و آرا نون زایان در مقاله «دین و حمایت از حمله انتحاری»^۱ (۲۰۰۹) به ارائه یافته‌های خویش از چهار مطالعه وسیع در فلسطین (Gings & etal., 2009: 220-226)، شهرک‌های مناطق اشغالی (Ibid:227)، اندونزی، روسیه، مکزیک و هند (Ibid:228) در مورد حملات انتحاری می‌پردازند و در مجموع نشان می‌دهند که در هیچ‌کدام از این زمینه‌های متفاوت فرهنگی، میزان اعتقاد دینی به تنهایی عامل موثر و تعیین‌کننده‌ای برای تبیین میزان حمایت دینی در قبال عملیات انتحاری نیست، بلکه میزان شرکت در نهادها و جماعت‌های دینی که به افزایش میزان همبستگی اجتماعی در میان افراد می‌انجامد، با افزایش میزان حمایت از حملات انتحاری رابطه مستقیم دارد (Ibid:229). لذا جماعات دینی به‌مثابه یک خرده فرهنگ می‌تواند مولد گفتمانی باشد که چنین کنش‌های مقاومتی را تولید و مشروع نماید.

گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی

گفتمان، مجموعه منظم و جامعی از شیوه‌ها و روش‌های خاص فکر کردن و سخن گفتن در خصوص حوزه‌هایی ویژه از حیات اجتماعی در قالب نهادهای کلی جامعه، دانش و سیاست می‌باشد و از سه بعد اصلی تشکیل شده است: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها (شناخت‌ها) و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (وندایک، ۱۳۸۲: ۱۸). گفتمان‌ها از منظر میشل فوکو می‌جسم‌کننده معنا و ارتباطات اجتماعی، شکل‌دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی - سیاسی (قدرت) است که جایگاه قائل و معنای کلام وی را مشخص می‌کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۱). در حوزه

خشونت سیاسی، این گفتمان از تعیین جایگاه، اهداف، ایدئولوژی، وظایف، اقدامات، آینده آرمانی گروه و... تشکیل می‌گردد و خودی، غیرخودی و دشمن را از یکدیگر متمایز نموده و شیوه به‌کارگیری خشونت سیاسی را به‌مثابه نوعی رخداد ارتباطی^۱ تبیین و مشروع می‌نماید. حتی در گونه بمب‌گذاری، پیام را از طریق قربانی کردن انبوهی از جمعیت منتقل می‌کند. بمب‌گذاری دارای دو هدف هم‌زمان ارتباطی و تخریبی است و در برخی موارد اهمیت اهداف تخریبی کمتر از اهداف رسانه‌ای نیست.

مونیک مارکس در مقاله سال ۱۹۹۵ خویش، «ما برای آزادی مردم خود می‌جنگیم: توجیحات خشونت در میان جوانان فعال سوئیتو»^۲، با مطالعه بر روی ۲۰ جوان عضو شاخه جوانان کنگره آفریقا و کنگره دانشجویان آفریقای جنوبی به بررسی گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی و معانی گوناگون مندرج در مبارزات خشونت‌آمیز ایشان در قبال نظام آپارتاید می‌پردازد و پنج معنی و عامل مقوم را استخراج می‌کند:

۱. اهمیت رهبران و فراخوان ایشان در مبارزه مسلحانه به عنوان استراتژی تحول سیاسی
۲. انتقام از خشونت فیزیکی پلیس آفریقای جنوبی
۳. خشونت سیاسی به عنوان بهترین راه برای جلب توجه دولت مرکزی به خواست‌های مخالفان
۴. خشونت سیاسی به عنوان راه مبارزه با فساد، دفاع از خود و عامل حذف افراد ناآگاه و اخطار برای دیگران

1. Communicative Event

2. We Are Fighting for the Liberation of Our People: Justifications of Violence by Activist Youth in Diepkloof Soweto

۵. خشونت به عنوان تنها راه عملی، موثر و سریع تحول سیاسی. این معانی که تشکیل دهنده گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی است، نشان‌دهنده کارکرد وسیع این نوع کنش در بستر فرهنگی سوئو می‌باشد که ابزاری کارآمد برای نیل به اهداف جنبش تلقی می‌شده است.

چارچوب نظری

فرایند ارتباطی بمب‌گذاری به‌مثابه خلق واقعه رسانه‌ای

در میان انواع خشونت سیاسی، بمب‌گذاری یکی از اقتصادی‌ترین گونه‌های ممکن ارسال پیام وسیع و موثر رسانه‌ای برای گروه معارض در زمان کوتاه می‌باشد (Enders, 2006)، چرا که در فرایند بمب‌گذاری اگر چه برخی از افراد گروه به صورت پیش‌فرض در مسیر اعمال برخی از انواع این خشونت جمعی قربانی می‌شوند؛ اما این امر برای رهبران گروه با یک هدف ملموس مادی صورت می‌پذیرد: رسانه‌ای شدن.

تشکیل فرایند ارتباطات جمعی یا رسانه‌ای شدن بنا به تعریف ملوین دفلور و اورت ای. دنیس روندی است که طی آن دست‌اندرکاران ارتباطات، وسیله ارتباطی را طراحی کرده و از آن برای پخش پیام به صورتی وسیع، گسترده، سریع و پیوسته برای رسیدن به اهداف خاص و رساندن معانی معین و مشخص و اعمال نفوذ در مخاطبانی انبوه و ناهمگون استفاده می‌کنند (۱۳۸۳: ۵۴).

واقعه رسانه‌ای رویدادی است که در صورت فقدان امکان رسانه‌ای شدن روی نمی‌داد. این‌گونه رویدادهای خبرساز یا جریان‌ساز اساساً از آن رو طراحی و اجرا می‌شوند تا پوشش رسانه‌ای کسب کنند و جریانی رسانه‌ای را خلق یا تقویت کنند.

بودریار با استفاده از مفاهیم «وانموده» و «واقعیت رسانه‌ای» جنبه مصنوعی و ساختگی بودن این گونه رویدادها را واکاوی کرده است (فیسک، ۱۳۷۶).

در آثار رایج معمولاً مناسبت‌هایی را واقعه رسانه‌ای تلقی می‌کنند که توسط دولت‌ها به منظور پخش تلویزیونی در سطح ملی یا جهانی طراحی می‌شود. این وقایع شامل رویدادهای سیاسی، فرهنگی و ورزشی کلان می‌شود که به نوعی نشان‌دهنده مناسک گذار برای یک ملت در یک دوره تاریخی است (Dayan & Katz, 1992: 1).

پخش این گونه مراسم، مخاطبان را از زندگی روزمره جدا می‌سازد و آنها را به مثابه شرکت‌کنندگان در مراسم به پای تلویزیون می‌کشاند اما در مطالعات مربوط به تروریسم در مقابل، این گروه معارض است که با استفاده از راهبرد بمب‌گذاری، امکان شکل دادن به یک واقعه رسانه‌ای فوری و بسیار موثر را پدید می‌آورد که در روز انفجار و بعد از آن می‌تواند اکثر رسانه‌های عمومی کشور، منطقه و حتی رسانه‌های بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار دهد. به بیان دیگر، این پدیده از طریق صورت‌بندی^۱ یک خبر رسانه‌ای، همراه با تمام ارزش‌های خبری ممکن، همچون تازگی، بزرگی، شهرت و...، شکل می‌گیرد و فرصتی فوق‌العاده را برای پیشروی به اهداف سیاسی گروه به وجود می‌آورد. این پدیده از چند بخش ارتباط‌شناختی تشکیل شده است: فرستنده پیام، کانال ارسال پیام، ارسال پیام، مخاطبان و دریافت پیام. این حوزه‌های ارتباط‌شناختی تشکیل‌دهنده بخش‌های اصلی مدل‌های ارتباطی در تبیین هارولد لاسول (۱۹۴۸)، کلود شِنن و وارن ویوور (۱۹۴۹)، ویلبر شرام (۱۹۵۲)، دیوید برلو (۱۹۶۰) و حتی اثر متأخر محسنیان‌راد (۱۳۶۹) می‌باشد. اما چگونگی رمزگذاری

1. Articulation

❖ رمز‌گشایی ارتباطی در بمب‌گذاری را می‌توان با اتکا بر اثر رمز‌گذاری و رمز‌گشایی در گفتمان تلویزیون استوارت هال (۱۹۸۰) مورد بررسی قرار داد.

وی برای اولین بار نگرش نوینی را به منظور مطالعه رسانه‌های جمعی، همچون برنامه‌های تلویزیونی، مطرح کرد که می‌تواند در تکمیل و تقویت شیوه مطالعه بمب‌گذاری مورد استفاده قرار گیرد. الگویی که هال از چرخه معنا در گفتمان تلویزیونی ارائه می‌دهد سه مرحله متمایز را در بر می‌گیرد: رمز‌گذاری واقعیت: روایت رسانه از واقعیت پردازش‌نشده که مبتنی بر ساختار تولید، یعنی دانش، مهارت، ایدئولوژی‌های حرفه‌ای و پیش‌پنداشت‌ها درباره رسانه، مخاطبان، موقعیت و... صورت می‌گیرد (1980: 129). مرحله دوم، مرحله‌ای است که رویداد خام اجتماعی به‌وسیله گفتمان معنادار شده و در معرض مخاطب قرار می‌گیرد. هال در این باره می‌گوید: «آنچه ما انسان‌ها می‌توانیم درباره واقعیت بدانیم در گفتمان و از طریق گفتمان تولید می‌شود... و هیچ گفتمان قابل درکی بدون عملکرد یک رمزگان^۱ وجود ندارد» (Ibid: 131).

در مرحله سوم، مخاطبان با توجه به جایگاهشان در سایر گفتمان‌ها از پیام رسانه‌ای رمز‌گشایی می‌کنند. این مرحله تنها به معنی دریافت پیام رسانه‌ای نیست، چراکه مخاطبان متناسب با جایگاه گفتمانی‌شان به تولید دوباره و تفسیر مجدد پیام کدگذاری شده می‌پردازند و همان‌گونه که هال می‌گوید شاید دو برهه رمز‌گذاری و رمز‌گشایی کاملاً قرینه یکدیگر نباشند (Ibid: 131).

بر این اساس، می‌توان مدلی که در ادامه می‌آید، بمب‌گذاری به‌مثابه واقعه رسانه‌ای^۲، را برای فهم بمب‌گذاری در منطقه بلوچستان ایران، پیشنهاد کرد. این مدل، امکان ساده‌سازی و درک بهتر شرایط و موقعیت گروه معارض، قدرت مرکزی و عناصر معنایی را در این

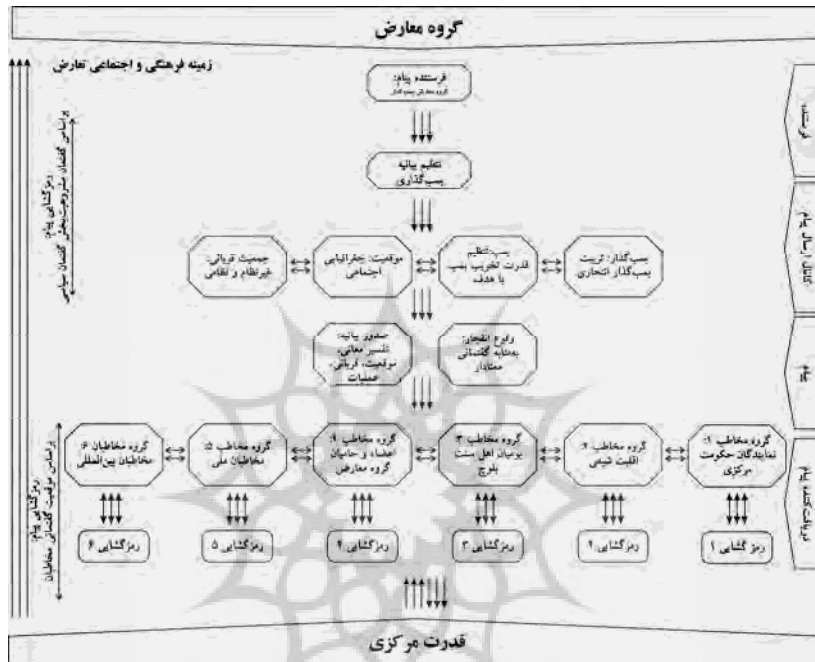
1. Codes

2. Bombing as a Media Event

❖ ۱۳۳ بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ...

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

عملیات و پدیده رسانه‌ای به وجود می‌آورد. این مدل به دنبال آن است که با بهره‌گیری از چارچوب‌های مطالعات ارتباطی و فرهنگی، امکان فهم عمیق‌تری را از یک واقعیت خشن به وجود آورد. با اطمینان می‌توان گفت که یک بمب هیچ‌وقت در جایگاه یک رسانه جمعی همچون تلویزیون نمی‌نشیند، اما با شکل‌دهی یک واقعه رسانه‌ای موثر، فرصت ایجاد یک ارتباط جمعی را خطاب به گروه‌های متنوع مخاطبان انبوه بازی می‌کند.



تصویر ۲. مدل بمب‌گذاری به مثابه واقعه رسانه‌ای

این واقعه رسانه‌ای که توسط گروه معارض خطاب به قدرت مرکزی در یک زمینه فرهنگی و اجتماعی صورت‌بندی می‌شود به صورت عمده از سه بخش اصلی تشکیل شده است:

پرتال جامع علوم انسانی

۱. تولید پیام: رمزگذاری^۱ اهداف و معانی خام توسط فرستنده بر اساس گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی
۲. ارسال پیام: وقوع انفجار و صدور بیانیه به منزله گفتمانی معنادار
۳. دریافت پیام: رمزگشایی^۲ از ساختارهای معنایی پیام توسط شش گروه مخاطب انبوه این واقعه رسانه فوری، موثر و کم عمر. البته با اطمینان می‌توان گفت که یک بمب هیچ‌وقت در جایگاه یک رسانه جمعی همچون تلویزیون نمی‌نشیند، اما همان‌طور که ذکر شد به شکل‌دهی یک فرایند ارتباط جمعی فوری و موثر می‌پردازد. در این میان، کانال ارسال «پیام رمزگذاری‌شده»^۳ فرستنده بر اساس مدل از پنج بخش متمایز تشکیل شده است:
 ۱. بیانیه: در اولین قدم، گروه معارض به طراحی و تنظیم پیام خود در قالب بیانیه‌ها و مصاحبه‌های رسانه‌ای پس از انفجار در مورد عملیات می‌پردازد تا با تکمیل فرایند رمزگذاری، مخاطبان را در رمزگشایی و فهم این پیام بر اساس گفتمان مرجح و مشروعیت‌بخش خود و اهداف برآمده از آن در این عملیات هدایت نماید.
 ۲. عامل بمب‌گذاری: فردی است که بر اساس گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت تربیت و آماده‌سازی می‌شود و می‌تواند بر اساس نوع هدف، ساختار گروه و سطح مطالبات به حمله انتحاری یا غیرانتحاری دست زند.
 ۳. بمب: قدرت تخریب بمب متناسب با اهداف انفجار تنظیم می‌شود.
 ۴. موقعیت انفجار: موقعیت مکانی و زمانی و همچنین موقعیت فرهنگی و اجتماعی انفجار بر اساس معنای مورد نظر عملیات تعیین می‌شود.

1. Encoding
2. Decoding
3. Encoded Message

۵. **قربانی:** قربانی اول این اقدام در نوع حمله انتحاری، خود بمب‌گذار است که توسط گروه معارض اعزام می‌شود. اما تعیین نوع و وابستگی معنایی دیگر قربانیان متناسب با گفتمان گروه مشخص می‌گردد.

مرحله بعدی این مکانیسم ارتباطی، با وقوع انفجار صورت می‌گیرد، اتفاقی که با کشته شدن بمب‌گذار، قتل دسته‌جمعی قربانیان نظامی و غیرنظامی و همین‌طور تخریب مکان انفجار همراه است. در این مرحله، بیانیه انفجار نیز بلافاصله پس از وقوع حمله منتشر می‌شود تا به تبیین معانی، اهداف و جایگاه قربانیان در این عملیات بپردازد و در عین حال پیام‌های سیاسی نهفته در این مجموعه پیچیده و خشن را ترجمه کند.

در قبال ارسال پیام به عنوان گفتمانی معنادار (گفتمان بمب)، قدرت و حکومت مرکزی به عنوان بخش اصلی مخاطبان خارج از گروه^۱ و اعضاء و حامیان گروه معارض به عنوان حوزه اصلی مخاطبان داخل گروه تلقی می‌شوند. به‌علاوه، شش گروه مخاطب انبوه دیگر را نیز می‌توان بر اساس متن بیانیه‌های صادر شده از طرف گروه به عنوان نمونه مشخص کرد:

۱. نمایندگان و عاملان حکومت مرکزی در منطقه
۲. زابلی‌ها و شیعیان ساکن در بلوچستان
۳. بومیان اهل سنت بلوچ و رسانه‌های ایشان
۴. اعضاء و حامیان گروه معارض
۵. مخاطبان ملی؛ رسانه‌ها و مردم کشور ایران
۶. مخاطبان بین‌المللی: نهادها و رسانه‌های خارجی و بین‌المللی.

گروه‌های مخاطب بر اساس موقعیت‌های خود در گفتمان‌های دیگر و نسبت خویش با گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی گروه به رمزگشایی و فهم این رخداد ارتباطی می‌پردازند. شیوه‌ها و نتایج رمزگشایی ایشان را با الهام از نگرش هال (1980: 136 - 137) (152)، می‌توان مشتمل بر سه نوع رمزگانی که در ادامه می‌آید طبقه‌بندی کرد:

۱. **رمزگان اولیه:** تطابق کامل معنی مستفادشده مخاطب با منظور بمب‌گذار (کدگذار). بهره‌گیری از این نوع رمزگان در شرایطی صورت می‌گیرد که مخاطب از جایگاه گفتمانی مشابه با گروه بمب‌گذار برخوردار باشد (هدف و کار خوب).

۲. **رمزگان نقادانه:** به معنی بهره‌گیری مشترک از کدهای فرستنده و کدهای جایگزین در فهم این پیام رسانه‌ای می‌باشد. در این نوع رمزگان، بخشی از کدهای پیام به صورت اولیه دریافت شده و بخشی دیگر با نمونه‌های جایگزین تعویض می‌شوند. در نتیجه پیام دریافتی صورت‌بندی متفاوتی را دربر خواهد داشت (هدفشان خوب ولی کارشان غلط است).

۳. **رمزگان تقابل‌جویانه:** مشتمل بر کدهای ثانویه‌ای می‌شود که به منظور تقابل با اهداف و نتایج برآمده از گفتمان مشروعیت‌بخش گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این میان، دولت مرکزی، نمایندگان و هواداران آن اصلی‌ترین قائلان این نوع رمزگشایی می‌باشند (هدف و کار بد). به بیان دیگر، با وقوع انفجار، قدرت مرکزی برای مهار کردن تأثیرات رسانه‌ای این عملیات، به رمزگشایی متفاوتی از این فرایند ارتباطی می‌پردازد و آن را از طریق رسانه‌های جمعی خود بسط می‌دهد:

الف. عملیات را به مثابه یک جنایت تفسیر می‌نماید که به کشته شدن غیرنظامیان و نظامیان بی‌گناه انجامیده است.

ب. اعضاء و وابستگان گروه را به عنوان عاملان و شریکان جرم دستگیر، تنبیه، و حتی اعدام می‌کند.

ج. به ذکر خدمات و نقش موثر حکومت مرکزی در منطقه می‌پردازد.

د. مردم بومی را حامی دولت و گروه معارض را مجرم می‌خواند.

روش‌شناسی

تحلیل گفتمانی بیانیه‌ها

مقاله حاضر بر اساس مدل ارتباط‌شناختی بمب‌گذاری به‌مثابه واقع رسانه‌ای طراحی شده و از آنجایی که به دنبال بررسی نحوه رمزگذاری گروه معارض از فرایند ارتباطی عملیات می‌باشد، بر روی مراحل اول تا سوم مدل متمرکز شده و بیانیه‌های صادرشده از سوی گروه موسوم به جنبش مقاومت مردمی جندالله را در وبلاگ‌های رسمی آن به عنوان متن پژوهش مورد نظر قرار داده است. در این میان، به منظور شناخت گفتمان مشروعیت‌بخش این نوع خشونت و استخراج معانی و مضامین مقوم آن، از روش تحلیل محتوای کیفی مضمونی^۱ بهره‌برداری شد تا با اتکا بر آن، چنان‌که چارلز اسمیت می‌گوید، بتوان به کدگذاری و کشف شاخص‌های معنایی اصلی در محتوای این مقوله‌های کلامی پرداخت و خصوصیات و تجارب نویسندگان و این گروه اجتماعی را در این موقعیت زمانی - مکانی تشخیص و ارزیابی نمود و در نهایت به تحلیل مضامین، موضوعات و نوع طبقه‌بندی آنها در طی این رمزگشایی دست یافت (2: 1992). لذا، تمام بیانیه‌ها در مورد عملیات‌های بمب‌گذاری آن گروه استخراج شد و بر اساس ۹ مقوله اصلی زیر در دو حوزه محوری معانی و اهداف خشونت سیاسی و عناصر آن مورد بررسی قرار گرفت.

1. Qualitative Thematic Contextual Analysis

الف. عناصر خشونت سیاسی

۱. چگونگی توصیف عامل و گروه بمب‌گذاری
۲. چگونگی توصیف قربانی / قربانیان عملیات
۳. چگونگی توصیف موقعیت زمانی و مکانی عملیات
۴. چگونگی توصیف حکومت مرکزی.

ب. معانی و اهداف خشونت سیاسی

۱. چگونگی بیان انگیزه گروه از خشونت سیاسی
۲. چگونگی بیان مفهوم خودی (جمعیت مورد حمایت)
۳. چگونگی بیان مفهوم غیرخودی (جمعیت دشمن)
۴. چگونگی بیان نتایج و اهداف کوتاه‌مدت عملیات
۵. چگونگی بیان نتایج و اهداف بلندمدت عملیات.

نتایج

عناصر خشونت سیاسی

ویژگی‌های کلی عملیات‌ها

بیش از دو سوم دوره فعالیت هشت‌ساله گروه موسوم به جنرال‌الله یعنی از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۷، شامل درگیری‌های نظامی با نیروهای نظامی مقیم در منطقه می‌شود، به گونه‌ای که ایشان در تلاش بودند با قتل، گروگان‌گیری و درگیری مسلحانه با نظامیان، اعضای نیروی انتظامی و سپاه پاسداران، به اهداف سیاسی خویش جامه عمل بپوشانند. اما از دی ۱۳۸۷، فعالیت‌های گروه وارد فاز جدیدی شد و با بهره‌برداری از تکنیک بمب‌گذاری انتحاری، که به صورت هم‌زمان مورد استفاده دیگر گروه‌های شبه‌نظامی در پاکستان، عراق، افغانستان و ... قرار می‌گرفت، هدف

❖ ۱۳۹ بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ... ❖

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

خویش را بر انفجار بمب‌های کور در میان جمعیت‌های غیرنظامی قرار داد. این در حالی بود که یک‌سال پیش از آن، در بیانیه‌ای رسمی، هرگونه عملیات نظامی که افراد غیرنظامی را مورد آسیب قرار دهد را به‌خاطر «مغایرت با اصول اخلاقی و موازین بشری» محکوم نموده بود (بیانیه گروه، مرداد ۱۳۸۶).

اما با گذشت ۱۷ ماه، روش این گروه در پیگیری اهداف سیاسی و اجتماعی خویش تغییر یافت و با استفاده از بمب‌گذاری، شیعیان ساکن در بلوچستان را نیز در کنار نیروهای نظامی مورد هدف خود قرار داد. در خرداد ۱۳۸۸، پس از وقوع دومین عملیات در منطقه بلوچستان، گروه طی بیانیه‌ای استراتژی بمب‌گذاری خود را با ادعای تربیت حداقل ۵۰۰ بمب‌گذار انتحاری و هدف‌گیری تاسیسات نظامی، زیرساخت‌های اقتصادی کشور و حمله به شهرهای بزرگ تبیین کرد (بیانیه گروه، ۸ خرداد ۸۸).

چنین بود که در طول دو سال پس از آن، این گروه پنج عملیات بمب‌گذاری را به فاصله‌های تقریبی پنج ماه در منطقه بلوچستان شکل داد و سبب کشته شدن صدها غیرنظامی و نظامی در این منطقه شد. بیانیه‌های گروه به‌صورت منظم در سه مقطع زمانی مختلف در پنج وبلاگ مجموعه بلاگ اسپات منتشر شدند و به‌صورت عمده بیانیه‌های رسمی، اخبار مهم، متن مصاحبه‌های رهبران و اعضاء گروه با دیگر رسانه‌های قومی و بین‌المللی را در بر می‌گرفت.

جدول ۱. وبلاگ‌های رسمی گروه

از تاریخ	لغات	آدرس الکترونیک وبلاگ رسمی گروه
بهمن ۱۳۸۵	آبان ۱۳۸۶	http://jonbeshmardom.blogspot.com
آبان ۱۳۸۶	آذر ۱۳۸۹	http://junbish.blogspot.com
آذر ۱۳۸۹	فروردین ۱۳۹۰	http://jonbesh-mardom.blogspot.com
فروردین ۱۳۹۰	تاکنون	http://taftana.blogspot.com http://jundiran.blogspot.com

موقعیت عملیات‌های بمب‌گذاری

موقعیت‌های شکل‌گیری عملیات گروه، تنوع قابل توجهی دارد. در مقایسه، زمان‌ها و فضا‌های مذهبی شیعیان مقیم بلوچستان به بیشترین میزان مورد هدف قرار گرفته است، همچون، انفجار در روز تاسوعا در میان دسته عزاداری شیلات چابهار (آذر ۸۹)، انفجار در روز ولادت امام حسین (ع) در مسجد زاهدان (تیر ۸۹)، عملیات در ایام فاطمیه در مسجد علی بن ابیطالب (اردیبهشت ۸۸). اما پایگاه‌های نظامی و حضور خود نظامیان نیز متغیر تعیین‌کننده دیگری در انتخاب نقطه انفجار می‌باشد، مانند انفجار در مقر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم (اسفند ۸۷) یا بمب‌گذاری در جلسه نمایندگان سپاه و رهبران قبایل بلوچ (مهر ۸۷).

قربانیان عملیات‌های بمب‌گذاری

گروه در عملیات‌های خود همواره دو گروه را مورد هدف قرار داده است: نظامیان جمهوری اسلامی ایران و شیعیان مقیم در بلوچستان و هر دو را بیگانه در بلوچستان تعریف نموده است. اما در این میان، نیروهای نظامی و امنیتی صریحاً به عنوان نماینده دولت مرکزی تلقی می‌شوند و زابلی‌ها و شیعیان مقیم در محل، که از حمایت دولت برخوردار هستند، وابستگی تلقی می‌شوند که تثبیت قدرت مرکزی را به دنبال دارند (بیانیه گروه، آذر ۸۹).

۱۴۱ ❖ بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ...

جدول ۲. عناصر خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری توسط گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	عناصر خشونت سیاسی بیانیه		
			تبیین قربانی عملیات	تبیین موقعیت عملیات	تبیین گروه و عامل بمب‌گذار
۱	۲۰۱۰/۱۲/۱۵ ۱۳۸۹/۰۹/۲۴	بمب‌گذاری در چابهار: عملیات انتقام ۲	- افراد نظامی - افراد غیر بومی	- موقعیت مذهبی: اقتصادی انفجار در روز تاسوعا در میان دسته عزاداری شیلات بندر چابهار این منطقه اقتصادی مورد بهره‌برداری افراد غیربومی در آمده است	- عامل بمب‌گذار - فرزند مؤمن، دلیر، سلحشور و غیور - ذکر نام‌های واقعی عوامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - عزت‌مندکننده مردم بلوچ - بالابرنده پرچم حق در بلوچستان
۲	۲۰۱۰/۷/۱۵ ۱۳۸۹/۰۴/۲۴	بمب‌گذاری در مسجد زاهدان (ولادت امام حسین(ع) و مراسم روز پاسدار)	- افراد نظامی پاسداران بسیجیان - افراد غیر نظامی زابلی‌ها انکار آسیب دیدن غیر نظامیان	- موقعیت مذهبی: نظامی در میان پاسداران که در مسجد زاهدان مشغول برگزاری همایش روز پاسدار بودند.	- عامل بمب‌گذار - فرزندان ایمان و حماسه - ذکر نام‌های واقعی عوامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - شکست‌دهنده حکومت - تلاشگر راه خودمختاری بلوچستان

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

ادامه جدول ۲. عناصر خشونت سیاسی عملیات‌های بمب‌گذاری توسط گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	عناصر خشونت سیاسی بیانیه		
			تبیین قربانی عملیات	تبیین موقعیت عملیات	تبیین گروه و عامل بمب‌گذار
۳	۲۰۰۹/۱۰/۱۸ ۱۳۸۸/۰۷/۲۶	بمب‌گذاری در جلسه نمایندگان سپاه و رهبران قبایل بلوچ	- افراد نظامی: فرماندهان سپاه تفرقه‌انداز میان قبیله های بلوچ	- موقعیت نظامی: قومی جلسه فرماندهان سپاه با قبایل بلوچ	- عامل بمب‌گذار - دلیر مردان - ذکر نام واقعی عامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - منتقم بلوچ‌ها از حکومت مرکزی - مومن، غیور، سلحشور، مبارز، شهادت‌طلب و از مرگ نمی‌هراسند.
۴	۲۰۰۹/۰۵/۱۸ ۱۳۸۸/۰۲/۲۸	بمب‌گذاری در مسجد علی‌بن ابیطالب زاهدان	- افراد غیر نظامی: زابلی‌ها و شیعیان زابلی‌ها: به مقدسات اهل سنت بی‌احترامی می‌کنند. زابلی‌ها: بازوی حکومت مرکزی و دلیل استمرار آن زابلی‌ها: مانند اسرائیلی‌ها	- موقعیت مذهبی: ضد تسنن در دارالسنه زاهدان عملیات به مراسم فاطمه بسیجیان در مسجد علی‌بن ابطالب - در دفاع از عقاید دینی اهل سنت	- عامل بمب‌گذار - فرزند غیور - ذکر نام واقعی عامل بمب‌گذاری - گروه بمب‌گذار - خواستار آزادی زندانیان بلوچ - ذی‌حق و لذا پیروز - مدافع عقاید دینی اهل سنت - منتقم بلوچ‌ها از حکومت مرکزی

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ... ❖ ۱۴۳

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

ادامه جدول ۲. عناصر خشونت سیاسی بمب‌گذاری توسط گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	عناصر خشونت سیاسی بیانیه		
			تبیین قربانی عملیات	تبیین موقعیت عملیات	تبیین گروه و عامل بمب‌گذار
۴	۲۰۰۹/۰۵/۱۸ ۱۳۸۸/۰۲/۲۸	بمب‌گذاری در مسجد علی‌بن ابیطالب زاهدان	زابلی‌ها: متجاوز و شریک جرم اقدامات حکومت زابلی‌ها: همکار وزارت اطلاعات - بسیجیان		- مورد حمایت بلوچ‌ها
۵	۲۰۰۸/۱۲/۲۹ ۱۳۸۷/۱۰/۰۹	بمب‌گذاری در مقر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم	- افراد نظامی	- موقعیت نظامی اولین عملیات بمب‌گذاری انتحاری جنیش جندالله	- عامل بمب‌گذار - سلحشور - برادر عبدالمالک ریگی، رهبر جندالله - آغازگر عملیات بمب‌گذاری انتحاری - بیانیه به توصیف فنی میزان مواد منفجره بمب نیز می‌پردازد. - گروه بمب‌گذار - منتقم تخریب مدرسه دینی اهل سنت

مضامین^۱: معانی و اهداف خشونت سیاسی

تضعیف دولت مرکزی

یکی از مهم‌ترین علل و انگیزه‌های مطرح در طراحی و اجرای این نوع خشونت سیاسی در بلوچستان، ایجاد فضای ضعف در دولت مرکزی و به رخ کشیدن قدرت گروه بمب‌گذار است. این مسئله به صورت شفاف در دو سوم بیانیه‌های این گروه در عملیات‌ها آمده است. به عنوان مثال، گروه در تفسیر عملیات «شهید اعظم»، که در پاسخ به کشته شدن عبدالمالک ریگی در مسجد زاهدان انجام گرفت، در بیانیه خود درباره این عملیات اظهار می‌دارد: «این عملیات نشان می‌دهد که رژیم ... ناتوان است، زیرا که این عملیات در قلب شهر زاهدان و در حالی که شهر زاهدان کاملاً تحت مراقبت نیروهای امنیتی و نظامی بود انجام گرفت» (بیانیه گروه، تیر ۸۹).

انتقام

در میان معانی و انگیزه‌های مذکور در بیانیه‌ها، مفهوم انتقام مهم‌ترین عامل به حساب آمده و بدون استثناء در تمامی بیانیه‌های منتشرشده توسط گروه بعد از عملیات ذکر شده است (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

این مفهوم که مشروعیت خود را از امکان مقابله به‌مثل با اعمال پیشین قربانیان به‌دست می‌آورد، یکی از اصلی‌ترین پایه‌های مشروعیت خشونت سیاسی است. چنان‌که ذکر شد، مونیک مارکس در مطالعه (۱۹۹۵) خود، انتقام جوانان آفریقایی از خشونت فیزیکی پلیس را نیز به عنوان معنای مشروع این کنش در میان ایشان نام می‌برد. اما نقطه جالب توجه آن است که در حمله‌ای که با ادعای پاسخ به آسیب یا اهانت پیشین صورت می‌گیرد، یکی دیگر از اعضای گروه هم به‌خاطر این هدف، قربانی می‌شود تا

1. Themes

قربانیان بیشتری از گروه مقابل گرفته شود و این فرایند مسبب «شادی دل خانواده‌های داغ‌دار» همان آسیب پیشین خوانده می‌شود (بیانیه گروه، مهر ۸۸).

در این میان، این گروه شبه‌نظامی نیز در تمام بیانیه‌های مفسر بمب‌گذاری خود، به مفهوم انتقام اشاره نموده است. اولین حادثه با ادعای انتقام تخریب یک مدرسه دینی صورت گرفت (دی ۸۷)، دو عملیات بعدی، با ادعای انتقام دستگیری و کشته شدن نیروهای وابسته به گروه (اردیبهشت و مهر ۸۸) و دو حمله آخر، با نام‌های عملیات انتقام (۱ و ۲)، با ادعای انتقام دستگیری و اعدام عبدالمالک ریگی رهبر گروه انجام شد (تیر و آذر ۸۹). اما جالب توجه آن است که تنها عملیات اول در میان نیروها و در یک مرکز نظامی انجام شد و چهار عملیات دیگر، نقطه‌های حضور مشترک سپاهیان و شیعیان ساکن در منطقه را هدف گرفته است و بسیاری از غیرنظامیان در مسیر انتقام این گروه نسبت به قربانیان خود کشته شدند.

جهاد و شهادت

از اصلی‌ترین پایه‌های معنابخش بمب‌گذاران، دو مفهوم دینی جهاد و شهادت است که در صورت‌بندی بیانیه‌ها از نقشی اساسی برخوردار هستند و همین امر مشابهت‌های گفتمان مشروعیت‌بخش اقدامات این گروه را با گفتمان مشابه در فرهنگ حکومتی نشان می‌دهد. به عنوان مثال، گروه در بیانیه فاجعه مسجدجامع زاهدان می‌نویسد:

دو جوان شهید با فدا کردن خود رویای دژخیمان و طاغوتیان را به خاک مالیدند و با شهید کردن خود ثابت کردند که این مبارزه و جهاد (انگیزه) را نهایی جز شکست و رسوایی متجاوزان و جنایتکاران نیست و نخواهد بود (بیانیه گروه، تیر ۸۹).

خودمختاری بلوچستان و تشکیل دولت منطقه‌ای

صورت‌بندی واژگانی مذهبی گروه که اهدافی سیاسی را مطرح می‌کند، مبتنی بر یک ایده قومی درباره بلوچستان است. در واقع، این گروه همواره تصویر آرمانی خود را ایجاد یک خودمختاری نسبی در منطقه بلوچستان ایران اعلام کرده است؛ آرمانی که با خروج نیروهای دولت مرکزی و فراگیرتر شدن جمعیت بلوچ اهل تسنن در تمام استان صورت می‌پذیرد. در حالی که طی مصاحبه‌های متعددی، جدایی‌طلبی از کلیت سیاسی ایران را رد نموده است (کاشانی، بی‌تا، رادیو بلوچ).

دفاع از عقاید دینی اهل تسنن

دو عملیات آغازین گروه که در طول چهار ماه به ترتیب در دی ۸۷ و اردیبهشت ۸۸ انجام شد، با ادعای دفاع از عقاید دینی شکل گرفت. اولین اتفاق در مقر نظامی سپاهیان فتح و رسول اکرم و در پاسخ به تخریب یک مدرسه دینی صورت پذیرفت (بیانیه گروه، دی ۸۷). اما اتفاق دوم، در ایام فاطمیه و با حمله به مسجد علی بن ابیطالب (ع) زاهدان صورت پذیرفت، در حالی که ادعای آن دفاع از عقاید دینی اهل سنت بود و طی انتشار بیانیه ۱۳۵۵ کلمه‌ای، به‌مثابه طولانی‌ترین بیانیه گروه در این نوع از حملات، رمزگذاری شد (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

جدول ۳. معانی و اهداف خشونت سیاسی در عملیات‌های بمب‌گذاری گروه

معانی و اهداف خشونت سیاسی	موضوع بیانیه	تاریخ بیانیه	ردیف
انتقام انتقام اعدام رهبر جنبش امیر عبدالملک تضعیف دولت مرکزی قدرت و جبروت و غرور حکومت را بشکنند. اثبات امکان مبارزه با حکومت مرکزی و نظامیان آن خودمختاری بلوچستان ضرورت واگذاری بهره‌برداری مناطق اقتصادی به خود افراد بومی (بلوچ - اهل تسنن)	بمب‌گذاری در چابهار: عملیات انتقام ۲	۲۰۱۰/۱۲/۱۵ ۱۳۸۹/۰۹/۲۴	۱

❖ ۱۴۷ بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ...

ادامه جدول ۳. معانی و اهداف خشونت سیاسی در عملیات‌های بمب‌گذاری گروه

ردیف	تاریخ بیانیه	موضوع بیانیه	معانی و اهداف خشونت سیاسی
			به دخالت‌های خود در امور دینی و مذهبی اهل سنت پایان دهد. - عملی شدن خواسته‌های جنبش شهادت و فدا کردن جان
۲	۲۰۱۰/۷/۱۵ ۱۳۸۹/۰۴/۲۴	بمب‌گذاری در مسجد جامع زاهدان (مراسم روز پاسدار)	- انتقام پاسخ به دستگیری عبدالمالک - تضعیف دولت مرکزی حکومت ضعیف، جنبش قوی - خودمختاری بلوچستان و تشکیل دولت منطقه‌ای - عبرت‌گیری و هشدار به نظامیان - جهاد - شهادت و فداکردن جان
۳	۲۰۰۹/۱۰/۱۸ ۱۳۸۸/۰۷/۲۶	بمب‌گذاری در جلسه نمایندگان سپاه و رهبران قبایل بلوچ	- انتقام این عملیات در حقیقت پاسخی به اعدام‌ها بود. سبب شادمانی خانوادهایی که اعضایشان در مبارزه با حکومت مرکزی کشته شدند. - تضعیف دولت مرکزی جلوگیری از جلب حمایت حکومت مرکزی در میان قبایل بلوچ در تقابل با آن - عبرت‌گیری و هشدار به نظامیان
۴	۲۰۰۹/۰۵/۱۸ ۱۳۸۸/۰۲/۲۸	بمب‌گذاری در مسجد علی‌بن‌ابیطالب زاهدان	- انتقام علما و جوانان شهید پاسخ به دستگیری جوانان بلوچ توسط وزارت اطلاعات - خودمختاری بلوچستان - زابلی‌ها و افراد غیربومی باید هر چه زودتر بلوچستان را ترک کنند وگرنه کشته خواهند شد. - دفاع از عقاید دینی - تضعیف دولت مرکزی تهدید نیروهای نظامی حکومت مرکزی هر اعدامی در بلوچستان با شدت پاسخ داده می‌شوند. شهادت

ادامه جدول ۳. معانی و اهداف خشونت سیاسی در عملیات‌های بمب‌گذاری گروه

معانی و اهداف خشونت سیاسی	موضوع بیانیه	تاریخ بیانیه	ردیف
<ul style="list-style-type: none"> - شهادت راهی جز اهدای خون برای رسیدن به عزت و آزادی نیست. - انتقام از تخریب مدرسه دینی در زابل - تضعیف دولت مرکزی ضرورت پیوستن مردم بلوچستان به جنبش گروه برای مبارزه با حکومت مرکزی - خودمختاری بلوچستان راه رسیدن به عزت و آزادی ضرورت ترک نیروهای سپاه از بلوچستان 	<ul style="list-style-type: none"> بمب‌گذاری در مقر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم 	<ul style="list-style-type: none"> ۲۰۰۸/۱۲/۲۹ ۱۳۸۷/۱۰/۰۹ 	۵

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

جمعیت غیر خودی: اقلیت شیعیان و زابلی‌ها

در میان بمب‌گذاری‌های گروه، مفاهیم خودی و غیر خودی از متغیرهای اصلی پیام و معنای این کنش خشن سیاسی است. چراکه، بیانیه‌های مفسر این بمب‌گذاری‌ها به نحو مشخصی این مرز را از نظر دینی و قومی تعریف می‌نمایند و بدین ترتیب شیعیان غیر بلوچ (زابلی‌های ساکن در منطقه بلوچستان) را به عنوان غیر خودی، متجاوز، مانند اسرائیلی‌ها، شریک حکومت مرکزی و همکار دستگاه‌های اطلاعاتی تلقی می‌نمایند (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

جمعیت غیر خودی: تهدید نظامیان حکومت مرکزی

یکی دیگر از اهداف کوتاه‌مدت این گروه شبه‌نظامی، ایجاد ترس، دلهره و یأس در نیروهای نظامی دولت است. بدین معنا که با انفجارهای متعدد در میان سربازان، کادر و فرماندهان سپاه به ایجاد ترس هیجانی پرداخته و با تفسیر و بازنمایی آن، امکان مقابله منطقی با خود را غیرممکن بخواند (بیانیه گروه، تیر ۸۹).

عملی شدن خواسته‌های جنبش

بمب‌های کوری که گروه در تن یاران خود فعال می‌نماید، در کنار فریاد برای اهداف بلندمدت، نیازهای در دسترسی را نیز می‌خواند (بیانیه گروه، آذر ۱۸۹). جملات کلیدی این بیانیه‌ها درست مانند دیالوگ یک گروگانگیر است که با کشتن یکی از قربانیان و فشار دادن نوک اسلحه بر روی سر قربانی دیگر تقاضاهای خود را نیز تکرار می‌کند. به بیان دیگر، این گروه رادیکال از طریق این نوع از حملات، تلاش می‌نماید تا قدرت چانه‌زنی خویش را برای دستیابی به اهداف خود بالاتر ببرد.

بحث: گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی

گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی گروه، نظام معنایی است که موقعیت این گروه را در منطقه بلوچستان، فضای ملی کشور و همین‌طور فضای بین‌المللی تعریف می‌نماید و نسبت آن را با جایگاه قدرت مرکزی ایران مشخص می‌کند، به‌گونه‌ای که خودی‌ها از غیرخودی‌ها متمایز و دشمن به‌مثابه هدف تقابل در این مسیر تبیین می‌شود. در همین راستا، این گفتمان، آینده‌آرمانی را برای اعضاء و وابستگان گروه ترسیم می‌کند که تعیین‌کننده اهداف، انگیزه‌ها و آرمان‌های ایشان است. مجموعه این مبانی، اعمال خشونت سیاسی را به عنوان روش گروه برای نیل به آن اتوپیا تعیین می‌کند و بدین راه، انگیزه، معنا، هدف و حدود می‌بخشد. در جدول شماره ۴، خلاصه‌ای از گفتمان مشروعیت‌بخش خشونت سیاسی گروه در عملیات‌های بمب‌گذاری گروه آمده است و در ادامه بحث تلاش خواهد شد که مهم‌ترین مولفه‌های این گفتمان به تفصیل مورد بحث قرار گیرد.

جدول ۴. گفتمان خشونت سیاسی گروه مقاومت مردمی جندالله در عملیات‌های بمب‌گذاری در استان سیستان و بلوچستان ایران

سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

تعاریف	خودی	غیرخودی
<ul style="list-style-type: none"> - مردم اهل سنت بلوچ ایران - جمعیت مسلمانان اهل سنت جهان 	<ul style="list-style-type: none"> - شیعیان مقیم در استان بلوچستان - نمایندگان دولت مرکزی در منطقه - نظامیان دولت مرکزی 	
<p>آینده آرمانی</p> <ul style="list-style-type: none"> - جنبه جغرافیایی: شامل استان سیستان و بلوچستان ایران و بخش‌هایی از استان‌های هرمزگان و کرمان - جنبه اقتصادی: مرکز اقتصادی آسیا - جنبه سیاسی: منطقه خودمختار در ایران و اداره آن توسط بلوچ‌های سنی - جنبه جمعیت‌شناختی: یکپارچه بلوچ و سنی مذهب - جنبه دینی: آزادی کامل دینی برای اهل سنت 	<p>آرمان‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> در اتوپسای گروه، بلوچستان ایران، سرزمینی خواهد بود که از: - جنبه جغرافیایی: شامل استان سیستان و بلوچستان ایران و بخش‌هایی از استان‌های هرمزگان و کرمان - جنبه اقتصادی: مرکز اقتصادی آسیا - جنبه سیاسی: منطقه خودمختار در ایران و اداره آن توسط بلوچ‌های سنی - جنبه جمعیت‌شناختی: یکپارچه بلوچ و سنی مذهب - جنبه دینی: آزادی کامل دینی برای اهل سنت 	<p>استراتژی‌های نیل به آرمان‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - حمله به نمایندگان حکومت مرکزی در منطقه: ضرورت ترک نیروها و نمایندگان نظامی و غیرنظامی دولت مرکزی از منطقه بلوچستان - حمله به اقلیت شیعیان مقیم در منطقه: ضرورت ترک شیعیان مقیم در منطقه بلوچستان
<p>خشونت سیاسی</p> <ul style="list-style-type: none"> - موقعیت مذهبی مربوط به اقلیت شیعیان مقیم در منطقه - موقعیت نظامی مربوط به حکومت مرکزی ایران 	<p>موقعیت عملیات</p> <ul style="list-style-type: none"> - موقعیت مذهبی مربوط به اقلیت شیعیان مقیم در منطقه - موقعیت نظامی مربوط به حکومت مرکزی ایران 	<p>قربانی</p> <ul style="list-style-type: none"> - نظامیان دولت مرکزی - اقلیت شیعیان مقیم در منطقه سیستان و بلوچستان
<p>خشونت سیاسی</p> <ul style="list-style-type: none"> - انتقام - جهاد - شهادت - دفاع از عقاید دینی اهل تسنن - عملی شدن خواسته‌های جنبش 	<p>معانی و انگیزه‌ها</p> <ul style="list-style-type: none"> - تضعیف دولت مرکزی - انتقام - جهاد - شهادت - دفاع از عقاید دینی اهل تسنن - عملی شدن خواسته‌های جنبش 	<p>اهداف</p> <ul style="list-style-type: none"> - تهدید شیعیان و زابلی‌ها و اجبار ایشان به ترک منطقه - تهدید نظامیان حکومت مرکزی و اجبار ایشان به ترک منطقه - خودمختاری بلوچستان و تشکیل دولت منطقه‌ای

آینده آرمانی

از مبانی گفتمان مشروعیت بخش خشونت سیاسی، ترسیم اتوپیایی است که گروه برای رسیدن بدان قربانی می‌دهد و قربانی می‌گیرد و همین تصویر از آینده آرمانی است که پایگاه و الگویی برای نقد قدرت و اعتراض به وضع موجود می‌گردد و در عین حال راه خشن رسیدن بدان را نیز تعریف می‌نماید.

از نظر این گروه شبه‌نظامی، بلوچستان سرزمینی تنها متعلق به مردم بلوچ است (بیانیه گروه، آذر ۸۹، دی ۸۷). مردمی که در قالب ملتی یکپارچه و متدین هستند و تحت هدایت علماء دینی قرار دارند و بقیه مسلمانان اهل سنت در جهان متحد ایشان در مقابله با دولت مرکزی ایران می‌باشند و حتی ایشان حاضرند جان‌های خود را در این راه قربانی کنند (بیانیه گروه، خرداد ۸۸). از طرف دیگر در این آرمان‌شهر، استان سیستان و بلوچستان ایران در بیانیه‌های گروه، سرزمین بلوچستانی خوانده می‌شود که از جنبه جغرافیایی شامل استان سیستان و بلوچستان ایران و بخش‌هایی از استان‌های هرمزگان و کرمان (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸)، از نظر سیاسی دارای خودمختاری نسبی در داخل خاک ایران (بیانیه گروه، آذر ۸۹، دی ۸۷)، از جنبه اقتصادی، مرکز اقتصادی آسیا (بیانیه گروه، آذر ۸۹)، از جنبه جمعیت‌شناختی، دارای جمعیت یکپارچه بلوچ و سنی‌مذهب و از نظر مذهبی، دارای آزادی کامل دینی برای اهل سنت می‌باشد (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸، دی ۸۷). اما برای نیل به این اهداف، دو استراتژی همسان به‌کار گرفته می‌شوند: ضرورت ترک نیروهای نظامی در بلوچستان و ضرورت ترک شیعیان از بلوچستان که هر دو در شعارها، بیانیه‌ها و اهداف گروه به‌خوبی مشهود است.

گروه معارض

بیانیه‌های بمب‌گذاری، گروه را در جایگاه یک ناجی بسیار خاص در بلوچستان

❖ می‌نشانند. از یک طرف، فرد یا افراد بمب‌گذار فرزندان ایمان و حماسه، دلیرمرد، غیور و سلحشور خوانده می‌شوند و عکس‌ها و نام‌های واقعی ایشان در متن بیانیه‌ها منتشر می‌شود و از طرف دیگر، خود گروه متصف به عناوینی چون عزت‌مندکننده مردم بلوچ، بالابرنده پرچم حق در بلوچستان، تلاشگر راه خودمختاری بلوچستان، منتقم، مدافع عقاید دینی اهل سنت، مورد حمایت بلوچ‌ها، ذی‌حق و لذا پیروز و همین‌طور شکست‌دهنده حکومت مرکزی می‌شود. این در حالی است که این صفتهای مثبت تنها برای کشتن افراد عادی، همچون زنان، مردان و کودکان بومی شیعه و نه عوامل محرومیت‌ساز منطقه، به کار می‌رود. این تناقض آشکار نشان می‌دهد که اساساً چنین خوانشی از خود گروه فقط خطاب به مخاطبان درون‌گروهی صورت می‌گیرد و تداعی‌کننده مشروعیت خواسته شده این گروهک نظامی در بلوچستان و در میان بلوچ‌های اهل سنت می‌باشد تا انسجام درون‌گروهی را نسبت به موقعیت رهبر، روش مبارزه، اهداف و به‌طور کلی ایدئولوژی گروه تقویت نماید. چنین است که از مهم‌ترین مضامین و معانی به‌کارگرفته شده در بیانیه‌ها، مفاهیمی چون جهاد، شهادت و فدا کردن است که این نوع مخاطبان درون‌گروهی را تأمین می‌کند.

حکومت مرکزی

در مجموع، این گروه شبه‌نظامی دو هدف سیاسی بلندمدت در تشکیل آرمان‌شهر خود دارد: خروج نیروها و عناصر دولت مرکزی و تشکیل حکومت منطقه‌ای در بلوچستان و در داخل مرزهای ایران. اما تلاش برای تأمین این اهداف از طراحی واقعه رسانه‌ای می‌گذرد که به دنبال چهار بازنمایی اصلی در شیوه رمزگذاری خود است:

۱. حکومت مرکزی ضعیف است.
۲. این گروه شبه‌نظامی در مقایسه با حکومت قوی است.

۳. استان سیستان و بلوچستان ایران تنها متعلق به بلوچ‌های سنی است و تمام اجزاء آن باید توسط ایشان اداره شود.

۴. شیعیان و دولت شیعی، مشروعیت و صلاحیت اداره بلوچستان را ندارند. در همین راستا، گروه نسبت به سه حوزه از سیاست‌گذاری‌های قومی دولت مرکزی، مداخله‌های ساختاری، مداخله‌های قومی - مذهبی و تنبیه‌ها، اعتراض می‌نماید که در جدول شماره ۵ به تفصیل آمده است.

جدول ۵. حوزه‌های مورد اعتراض گروه شبه‌نظامی جندالله در سیاست‌گذاری‌های قومی دولت مرکزی در بلوچستان ایران

تنبیه‌ها	مداخله‌های قومی - دینی	مداخله‌های ساختاری
- اعدام وابستگان گروه - دستگیری و حبس وابستگان گروه	- مذاکره با قبایل و جلب نظر ایشان - آموزش در مدارس دینی اهل سنت	- سیاست جانشینی جمعیت شیعیان در مناطق سنی‌نشین - تجزیه منطقه بلوچستان در استان‌های همسایه

در واقع، مسئله محوری این گفتمان سیاسی، مشروعیت دولت مرکزی در اداره استان سیستان و بلوچستان ایران است که همواره به چالش کشیده شده و تلاش می‌شود با شکل‌دهی عملیات‌های تروریستی زمینه تضعیف آن قدرت و جایگزینی آن با یک دولت محلی ممکن گردد.

نیروهای نظامی و امنیتی حکومت مرکزی ایران

ادبیات تقابل گروه با نیروهای نظامی و امنیتی جمهوری اسلامی همانند گفتگوهای دو طرف جنگ است، بیانیه‌های گروه، ایشان را همواره با صفاتی منفی (بیانیه گروه، اردیبهشت و مهر ۸۸) توصیف می‌کند. به علاوه، در هر پنج عملیات، نیروهای نظامی و امنیتی دولت مرکزی، قربانی اصلی یاد شده‌اند که این امر در انتقام و اعتراض به اعدام وابستگان گروه، دستگیری ایشان یا نقض مقدسات اهل سنت،

مانند برگزاری مجالس فاطمیه در مساجد اقلیت شیعی یا تخریب مدارس دینی اهل سنت، در منطقه صورت گرفته است. اما اهداف این مجموعه از کنش‌های جمعی، اقناع‌سازی نیروهای دولت مبنی بر خروج از منطقه بلوچستان است (همان) که در دو سطح تغییر سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و ایجاد ترس و دلهره در مأموران حاضر در منطقه دنبال می‌شده است.

شیعیان در منطقه بلوچستان ایران

شیعیان ساکن در استان سیستان و بلوچستان ایران، از جایگاهی دو پهلو در منطقه برخوردارند. تمرکز جمعیتی ایشان در شهر زابل سبب شده است که همواره و در هر صورتی با عنوان زابلی خوانده شوند.

جدول ۶. خوانش بمب‌گذار از قربانی: تفسیر و پیام سیاسی گروه از قربانیان عملیات‌های بمب‌گذاری خود در

بلوچستان ایران

موضوع	نیروهای دولتی (نظامی و امنیتی)	اقلیت شیعی	پیام سیاسی به دولت
توصیف	<ul style="list-style-type: none"> - مزدور - شریک در کشتار - تفرقه‌انداز 	<ul style="list-style-type: none"> - شریک جرم دولت - اداره‌کننده همه ارگان‌ها و امکانات بلوچستان - بازوی دولت - همکاران وزارت اطلاعات - دلیل استمرار و تثبیت حکومت - نتیجه سیاست جان‌شینی جمعیت دوم 	<ul style="list-style-type: none"> توصیف حکومت مرکزی - ضعف دولت و اثبات امکان مبارزه با آن توصیف گروه - نیروهای گروه قوی - جهاد و شهادت: از مرگ نمی‌هراسند.
اعتراض	<ul style="list-style-type: none"> - پاسخ به کشته شدن و اعدام - دستگیری خانواده اعضای گروه - نقض مقدسات دینی 	<ul style="list-style-type: none"> - اعتراض به حمله شیعیان به بلوچ‌ها بعد از بمب‌گذاری مسجد جامع زاهدان 	<ul style="list-style-type: none"> - اعتراض به دخالت در امور دینی و مذهبی اهل سنت - اعتراض به اعدام اعضاء و حامیان گروه

۱۵۵ ❖ بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ...

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

ادامه جدول ۶. خوانش بمب‌گذار از قربانی: تفسیر و پیام سیاسی گروه از قربانیان عملیات‌های بمب‌گذاری خود در

بلوچستان ایران

موضوع	نیروهای دولتی (نظامی و امنیتی)	اقلیت شیعی	پیام سیاسی به دولت
اعتراض	۱. بی‌احترامی به مقدسات دینی اهل سنت ۲. تخریب‌کننده مدرسه دینی		- اسرای زندانی را آزاد کند. - اعتراض به سیاست جان‌شینی جمعیت دوم - اعتراض به تجزیه بلوچستان در میان کرمان، هرمزگان، سیستان و زابل‌ها - اعتراض به تلاش سپاه برای جلب نظر قبایل بلوچ
اهداف عملیات	- هدف اصلی بمب‌گذاری‌ها: نیروهای نظامی و امنیتی - عبرت و تهدید برای دیگر سپاهیان - خروج نیروهای نظامی و امنیتی از منطقه	- خروج شیعیان از بلوچستان - اقلیت به‌مثابه گروگان	- تشکیل حکومت منطقه‌ای - خروج نیروهای دولت مرکزی

اما گرایش دینی آنها موجب می‌شود که از یک‌طرف در این استان، از نظر جمعیتی در اقلیت قرار بگیرند، اما از طرف دیگر به‌خاطر مشابهت اعتقادی با اکثریت جمعیت کشور و همین‌طور با حکومت تشیع‌مدار مرکزی از موقعیتی موثرتر در قیاس با هم استانی‌های خود برخوردار شوند.

این اقلیت در عملیات و متون بیانیه‌های گروه، قربانی درجه دوم به حساب می‌آید و گناهکار بودن ایشان تنها در نسبتی مبهم با دولت مرکزی تعریف می‌گردد. لذا، مجموعه عبارات توصیفی بیانیه‌های گروه درباره این اقلیت دینی تنها وصف‌کننده این نوع رابطه است: شریک جرم حکومت مرکزی، همکاران وزارت اطلاعات دولت مرکزی، بازوی حکومت، عامل تثبیت حکومت در منطقه (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸) و... چنین است که هیچ‌کدام از عملیات‌ها به عنوان واکنشی

❖ در برابر رفتار پیشینی از این اقلیت تعبیر و توجیه نمی‌شود و تنها در یک مورد، این گروه در بیانیه ثانویه‌ای که درباره انفجار مسجد جامع زاهدان منتشر می‌کند نسبت به عصبانیت و حمله این اقلیت به بلوچ‌ها پس از این عملیات اعتراض می‌نماید (تیر ۸۹)، ولی در هیچ‌کدام از دیگر متون رسانه‌ای گروه، نشانه و انگیزه دیگری برای پاسخ‌دهی، انتقام و تقابل نسبت به این جمعیت غیرسازمانده‌ی شده دیده نمی‌شود.

اما اعتراض شبه‌نظامیان به این اقلیت مبتنی بر همان الگوی موقعیتی است که برای این شیعیان پدید آمده است. امری که به تصور نویسندگان بیانیه‌ها موجب شده که این اقلیت همه ارگان‌های اداری، سیاسی و اقتصادی بلوچستان را به دست بگیرند و اکثریت بومی اهل سنت را از فرصت کسب این امتیازات دور نگه دارند. این موضوع تحت طرح سیاست جانشینی جمعیت دوم در منطقه توسط گروه مطرح می‌شود:

۱. حکومت برای تثبیت قدرت منطقه‌ای خود به جانشینی جمعیت شیعیان در مناطق اهل سنت بلوچستان می‌پردازد.

۲. اداره‌ها، دانشگاه‌ها، مراکز اقتصادی همچون منطقه چابهار و ... توسط غیربومیان (شیعیان و زابلی‌ها) اداره می‌شود.

۳. این نوع سیاست جمعیتی دولت با شهرک‌سازی‌های جدید و مصنوعی همراه است. در قبال این موقعیت، گروه دو تاکتیک را در عملیات‌های خویش به‌کار گرفته است. از یک‌طرف، جمعیت رو به رشد شیعیان در منطقه را به‌مثابه گروگان، واسطه رسیدن به اهداف و خواست‌های خویش می‌کند:

جنبش مقاومت قبلا اعلام کرده بود که ... در برابر حکومت ...،
متجاوزان و بیگانگان (اقلیت شیعه) اشغالگر ساکن در بلوچستان را هدف
قرار خواهد داد. این عملیات هشدار است برای دولت ایران که به

دخالت‌های خود در امور دینی و مذهبی اهل سنت پایان دهد ... اسرای زندانی را آزاد کند، که در غیر این صورت عملیات‌های استشهادی با شدت بیشتری ادامه خواهد یافت و تمامی بیگانگان ساکن (شیعیان) در بلوچستان هدف قرار خواهند گرفت (بیانیه گروه، آذر ۸۹).

طبق این استدلال، دولت باید خواست‌های سیاسی گروه را اجابت نماید تا این گروه، اقلیت مورد حمایت دولت مرکزی را هدف قرار ندهد، اما همین امر سبب می‌شود که گروگانگیر برای حفظ دستاویز نفوذ خویش، گروگان‌ها را در قلمرو خود حفظ نماید تا در موقع ضرورت، دستیابی به اهداف خود را با تهدید ایشان تسریع نماید. اما مسئله اینجاست که اصلی‌ترین خواست این شبه‌نظامیان، کاستن و حذف حضور دولت مرکزی و سیاست‌های آن در منطقه است و این امر با حفظ حضور شیعیان تسهیل می‌گردد. لذا تاکتیک دوم به کار گرفته می‌شود: اعلام اخراج شیعیان از بلوچستان:

جنبش، تمام زابلی‌ها و افراد غیربومی را شریک جرائم ... می‌داند زیرا اگر نگاهی به بلوچستان و اداره‌های آن بیندازیم می‌بینیم که از استانداری گرفته که قبلاً زابلی و الان غیربومی است همه ارگان‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی، بهداشتی و ... به دست اقلیت زابلی اداره می‌شوند ... و همه بلوچستان در اختیار اقلیت ۵ درصد زابلی می‌باشد و صاحبان اصلی این سرزمین در خاک خود هیچ اختیاری ندارند لذا زابلی‌ها و تمام غیربومیان شریک دولت هستند و ... همین زابلی‌ها و غیربومی‌ها بازو و دلیل استمرار حکومت هستند و دولت برای تثبیت خود روز به روز به جمعیت غیربومیان در بلوچستان می‌افزاید و فقط طی یک سال گذشته ۱۰ هزار غیربومی در شهر چابهار اسکان داده شدند ... زابلی‌ها و غیربومیان مانند اسرائیلیان، بلوچستان را به تصرف خود در آورده‌اند و مشغول

شهرک‌سازی در بلوچستان هستند و از سویی چنان پررو شده‌اند که در شهر و دیار اهل سنت به مقدسات و عقایدشان می‌تازند و ... اما دیگر بلوچستان بیدار شده است و تا خاتمه دادن به متجاوزان به نبردش ادامه می‌دهد ... جنبش طی این اطلاعیه به‌طور رسمی از زابلی‌ها و غیربومیان می‌خواهد بلوچستان را ترک کنند در غیر این صورت هدف حمله قرار خواهند گرفت ... اگر غیربومیان خود را بی‌طرف می‌دانند که نیستند باید بلوچستان را ترک کنند و این برای مردم بلوچستان مسلم است که همه غیربومیان همکار وزارت اطلاعات هستند ... (بیانیه گروه، اردیبهشت ۸۸).

این در حالی است که نهایت این اقدامات نه پیروزی نظامی بر دولت مرکزی و نه تحول عمیق ساختاری در قدرت مرکزی ایران خوانده می‌شود بلکه تنها به دنبال خروج نیروهای دولت مرکزی از بلوچستان و تشکیل یک دولت خودمختار بلوچ سنی در چارچوب کلی مرزهای سیاسی ایران است.

در این میان، فرایند شکل‌گیری عناصر، معانی و اهداف خشونت سیاسی گروه مشتمل بر عوامل دیگری، همچون مداخله‌های بین‌المللی و همچنین ارتباطات میان‌فرهنگی کشورهای دیگر نیز می‌شود، اما از آنجایی که زمان و توان نویسندگان این مقاله محدود بود، لذا این مرحله از پژوهش بر روی عملیات‌های بمب‌گذاری انتحاری گروه و بیانیه‌های تبلیغاتی ایشان متمرکز شد. امید است که بتوان در مطالعات آتی، ابعاد دیگر این پدیده فرهنگی ارتباطی را مورد فهم قرار داد.

سخن پایانی

گروه شبه‌نظامی از دی ۱۳۸۷ به بهره‌برداری از تکنیک ارتباط جمعی بمب‌گذاری انتحاری دست زده است تا اهداف خویش را از طریق شکل‌دهی یک

واقعۀ رسانه‌ای تقویت‌نماید و در طی این مسیر انسان‌های بسیاری قربانی شدند تا مگر اهداف سیاسی گروه‌جامه عمل بپوشند. باید به یاد داشت که به قول مک‌لوهان، رسانه خود پیام است (مک‌لوهان، ۱۳۵۴). به زبان دیگر، آنگاه که بمب‌گذاری مسیر ارسال پیام تلقی می‌شود تا خواست‌های سیاسی را به پیش ببرد، کشتن و کشته شدن مرکز شکل‌گیری واقعۀ رسانه‌ای است، پدیده‌هایی که هرچند رسانه‌های گروهی دیگر را به خود جلب می‌کند، اما در عین حال، به رنج، قتل و آسیب بی‌گناهی می‌انجامد که به صورت مستقیم هیچ دخالتی در حفظ یا تغییر سیاست‌گذاری‌های حکومت مرکزی بازی نمی‌کنند، زنان، کودکان و مردانی که قربانی می‌شوند تا تنها، رمزگذاری پیام در یک واقعۀ رسانه‌ای صورت گیرد، پدیده‌ای که القای تنفر، ارباب و تهدید بخش‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند.

از نظر سیاست‌گذاری فرهنگی، مواجهه با گفتمان مشروعیت‌ساز بمب‌گذاری مقدم بر مقابله با گروه بمب‌گذار است اما انتخاب این راه نیازمند تجدیدنظر در فهم و تفسیر نیازها و تقابل‌های قومی و مذهبی بلوچ‌های اهل تسنن و در نتیجه بازنگری در سیاست‌های امنیت‌محور منطقه می‌باشد. به بیان دیگر، انتخاب استراتژی حکومتی در مورد اهل سنت بلوچستان نباید در پاسخ به گفتمان‌سازی گروه بمب‌گذار صورت‌بندی شود؛ چرا که خواسته اصلی آنها تحمیل تفسیر خود از تقابل‌ها به حکومت مرکزی، مردم منطقه، همسایگان و جامعه جهانی است.

منابع و مأخذ

- آمیر، پل، (۱۳۵۷). *خداوند الموت: حسن صباح*. ترجمه و اقتباس از ذبیح‌الله منصوری. تهران: جاویدان.
- استراس، آنسلم، (۱۳۸۵). *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌های مبانی رویه‌ها و شیوه‌ها*. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حسینی‌زاده، محمدعلی، (۱۳۷۹). *علماء و مشروعیت دولت صفوی*. انتشارات معارف اسلامی ایران.
- دفلور، ملوین، دنیس، اورت، (۱۳۸۳). *شناخت ارتباطات جمعی*. ترجمه سیروس مرادی و ناصر باهنر. تهران: دانشکده صداوسیما.
- رضایی، سبجان، آشنا، حسام‌الدین، (زمستان ۱۳۸۷). «فضای گفتمانی تدوین بحارالانوار در عصر صفوی». قم: فصلنامه علمی - پژوهشی *شیعه‌شناسی*. شماره ۲۴: ۵۲-۷.
- سیوری، راجر، (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: مرکز. شهابی، محمود، (بی‌تا). *گفتمان خشونت سیاسی*. پژوهش منتشر نشده.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات در ایران* (جلد اول). تهران: فردوسی.
- فرکلاف، نورمن، (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*. ترجمه فاطمه شایسته پیران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فیسک، جان، (۱۳۷۶). «تلویزیون و نوگرایی». ترجمه حسام‌الدین آشنا. فصلنامه *رسانه* سال هشتم شماره ۳: ۱۳-۸.
- کاشانی، مریم، (بی‌تاریخ). *گفتگوی روز با عبدالملک ریگی و گروه‌گانش*. آدرس اینترنتی رادیو بلوچ اچ سویدن:
- http://www.radiobalochi.org/Jondallah/Abdol_Malek_interview.html
- گروه مقاومت مردمی جندالله، (خرداد ۸۸). بیانیه رسمی ۲: بمب‌گذاری در مسجد علی بن ابیطالب زاهدان. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

۱۶۱ ❖ بررسی گفتمانی فرایندهای ارتباطی و ... ❖

❖ سال سیزدهم، شماره هفدهم، بهار ۱۳۹۱

گروه مقاومت مردمی جندالله، (اردیبهشت ۸۸). بیانیه رسمی: بمب‌گذاری در مسجد علی بن ابیطالب زاهدان. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com> گروه مقاومت

مردمی جندالله، (آبان ۸۹). بیانیه رسمی: دستگیری علمای اهل سنت. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (آذر ۸۹). بیانیه رسمی: بمب‌گذاری در چابهار. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (تیر ۸۹). بیانیه رسمی: بمب‌گذاری در مسجد جامع زاهدان. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (خرداد ۸۹). بیانیه رسمی: اعتراض به اعترافات تلویزیونی و دادگاه عبدالمالک ریگی. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (دی ۸۷). بیانیه رسمی: بمب‌گذاری در مقر مرکزی نیروهای فتح و رسول اکرم. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (شهریورماه ۸۹). بیانیه رسمی به مناسبت عید فطر. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (مرداد ۸۶). بیانیه رسمی: حادثه محور ایرانشهر و چابهار. وبلاگ رسمی: <http://jonbeshmardom.blogspot.com>

گروه مقاومت مردمی جندالله، (مهر ۸۸). بیانیه رسمی: بمب‌گذاری در جلسه مشترک فرماندهان سپاه و رهبران قبایل بلوچ. وبلاگ رسمی: <http://junbish.blogspot.com>

گل محمدی. احمد، (۱۳۸۹). *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*. تهران: نی.
محسنیان‌راد، مهدی، (۱۳۶۹). *ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)*. تهران: سروش.

مک‌لوهان، مارشال، (۱۳۵۴). *آینه‌های جیبی آقای مک‌لوهان*. ترجمه ابراهیم رشیدپور. تهران: سروش.
ون‌دایک، تئون ای، (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*. ترجمه پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

Berlo. David. (1960). *The Process of Communication*. New York: Rinehart and Winston
Bowen. Don., Masotti. Louis. (1968). "Riots and Rebellions: Civil Violence in the Urban Community". CA: Sage Publication.

- Dayan. Daniel and Elihu Katz. (1992). "**Media Events: The Live Broadcasting of History**. Cambridge": Harvard University Press.
- Enders. Walter. Sandler. Todd. (2006). "**The Political Economy of Terrorism**". Cambridge University Press. US.
- Gings. Jeremy. Iam Hansen. Ara Norenzayan. (2009). "**Religion and Support for Suicide Attacks**". Psychological Science. Vol. 20. No. 2.
- Hall. Stuart. (1980). *Encoding and Decoding in the Television Discourse*. In S. Hall, D. Hobson, A. Lowe and P. Willis (eds), Culture, Media, and Language, London: Hutchinson, 128-38
- Laswell. Harold. (1927). *The Structure and Function in Society*. In Bryson Lyman (ed) The Communication of Ideas. New York: Harper.
- Marks. Monique. (1997). "**We are fighting for the liberation of our people**". Berkeley Journal of Sociology: A Critical Review, Vol. 41.
- Scheramm. Wilber. (1954). *How Communication Works, in the Process and Effects of Communication*. Urbana: University of Illinois Press.
- Shannon. Claude, and Weaver. Warren. (1949). *The Mathematical Theory of Communication*. Urbana: University of Illinois Press.
- Smith. Charles. (1992). *Motivation and Personality*: Handbook of Thematic Content Analysis. University of Cambridge. US.
- Tosini. Domenico. (2009). "**A Sociological Understanding of Suicide Attacks**". Theory Culture Society. Vol 26. No. 4.
- Weinberg. Leonard. (2004). *Religious Fundamentalism and Political Extremism*. Frank Cass Publisher.

